



# معنویت سیاه

گزارشی از وضعیت دین در آفریقا  
مهرداد ناظری

قاره پهناور آفریقا در سیر تحولات فرهنگی و تاریخی خود، مسیر پرفراز و نشیبی را پیموده است و در طول زمان تجربه‌ای غنی از معرفت بشری و نظام ارزشهای دینی به جای گذاشته است. شواهد باستان‌شناسی نشان می‌دهد که بیش از سی هزار سال قبل از میلاد مسیح، اشکالی از دینهای بومی در اکثر نقاط آفریقا وجود داشته است. در تصویرهایی که بر دیوار غارها ترسیم شده، نمادهایی از رفتارهای دینی دیده می‌شود که بیانگر اهمیت فعالیتهای مذهبی در این سرزمین است. از ویژگیهای مهم بینش دینی مردم آفریقا این است که به موازات تحولات اقتصادی، رفتارهای اخلاقی‌شان هم تغییر کرده است. امروزه ثابت شده تمدنهای باستانی که در مرحله شکار و صید باقی مانده‌اند، هرگز رشد را تجربه نکرده‌اند. در این‌گونه اجتماعات خمیرمایه فرهنگ در مرحله ابتدایی باقی مانده و تمام استعدادها در مسیر موفقیت در صید و شکار خلاصه شده است. اما تمدنهایی که قدم در راه کشاورزی گذاشته‌اند و غذا ذخیره کرده‌اند، موجب شده که انسانها فراغ‌بالی پیدا کنند و به فکر تحول زندگی



خود بیفتند. قاره آفریقا با ورود به عصر کشاورزی و مهاجرت وسیع مردم از اقصی نقاط عالم به آنجا شاهد تغییر در اعتقادات و باورهای دینی بوده است. اگرچه سابقه دینی در آفریقا با شروع زندگی و حیات مقارن است، تحول فرهنگ عمومی و تغییر خصلتهای بشری زمینه‌ای مساعد برای رشد ادیان مترقی‌تر را فراهم کرد. شواهد نشان می‌دهد در دورانهای بدوی در بسیاری از نقاط قاره آفریقا، نوعی نگرش دینی خاص وجود داشته که فاقد انسجام است. مثلاً، در مورد بعضی از کتوله‌های آفریقایی (پیگمه‌ها) شتیده می‌شود که هیچ نوع عبادت و شعائر دینی خاصی ندارند و در نزدشان اثری از توتم، بتها و خدایان دیده نمی‌شود. مردگان خود را بدون هیچ تشریفات به خاک می‌سپارند و هرگز به آنان فکر نمی‌کنند. اگر به گفته‌های سیاحان که البته خالی از مبالغه هم نیست توجه کنیم، این طوایف در میان خود، حتی خرافاتی هم ندارند. کتوله‌های کامرون فقط به خدایان شر عقیده دارند و هرگز درصدی نیستند که با اجرای اعمالی این خدایان را راضی نگه دارند، چون به نظر آنان این کارها در جلب رضایت خدایان هیچ تأثیری ندارد.

اما تحولات اجتماعی و تغییر شیوه‌های زندگی و حاکمیت فرهنگ یکجانشینی زمینه‌ها و بسترهایی فراهم آورد که نگرش دینی مردم، فرم و محتوای خاصی پیدا کرد به‌طوری‌که می‌توان به عنوان اسطوره‌ها و الگوهای دینی به آنها استناد کرد. اجرای مراسم و تشریفات قربانی و نذر کردن برای بخشش گناهان، تقدس بخشیدن به اشیا و ... مصادیقی است که در تجزیه و تحلیل عقاید دینی مردم بومی آفریقا مورد توجه قرار گرفته و مطالب زیادی درباره آن نوشته شده است. برخی از مهمترین باورهای بومی و ادیان بدوی آفریقا از این قرارند:

۱. توتمیسم: توتم (Totem) واژه‌ای است از زبان سرخ‌پوستان آمریکا دال بر قرابت محارم. توتمیسم یکی از مهمترین اشکال و صور دینی در جوامع ابتدایی است که طرفداران زیادی داشته است. قبایل و عشیره‌های توتم‌پرست، هر کدام حیوان یا نوعی گیاه و گاهی یک پدیده بیجان طبیعت را تقدیس می‌کنند و نسبت به او در میان خود وظایفی بر عهده دارند. از سوی دیگر زندگی یک قبیله یا کلان بر محور توتم مورد قبول، رسمیت می‌یابد و نوعی خویشاوندی میان اعضا شکل می‌گیرد. به طوری که دو فرد از یک قبیله اجازه ازدواج با یکدیگر را ندارند.

بخش پهناوری از قاره آفریقا دارای سکنه‌ای است که به توتمیسم گرایش دارند. آفریقایی‌ها دارای کلانهای جانوری و گیاهی فراوانی هستند که مهمترین آنها عبارتند از: پلنگ، گاومیش، سگ، طوطی، کلان‌گیاه بارهنگ، ساقه غله و نخل شیره‌دار. مثلاً در کلان‌پلنگ، احترام و تقدیس پلنگ واجب است و کسی حق بی‌احترامی به آن و یا کشتن آن را ندارد. اگر تصادفاً چنین کند باید بگوید برادرم را کشتم و با اعتذار، شیره درخت نخل محلی را روی زخم پلنگ بمالند. اگر پلنگی را مرده ببینند، باید تکه‌های پارچه سفیدی بر آن بگسترانند و پوزه‌اش را شیره درخت نخل بمالند تا مراتب تأسف توأم با احترام خود را نسبت به پلنگ به جای آورند. در مواردی اعضای کلان‌پلنگ به نشان سوگواری، خود را به گچ می‌آلیند و پلنگ را به خاک می‌سپارند. نکته حائز اهمیت این است که افراد قبیله برای مشخص کردن کلانهای خود البسه خاصی به کار می‌برند و در موارد خاصی از آنها استفاده می‌کنند. مثلاً وقتی که عضوی از کلان‌پلنگ می‌میرد، عزاداران وی با گل و لای رنگی، لکه‌های سرخ و سفید و سیاه بر بدنهای خود نقش می‌کنند تا هیبت و هیأت پلنگ را نمودار سازد و بر در و دیوار کلبه‌های خود و بدنه تابوت پلنگ هم نقش پلنگ می‌کشند و در این نقاشی‌ها بر اثر استمرار زمان ماهر و متخصص شده‌اند.

در توتمیسم ابتدایی هیچ‌گونه عقاید مربوط به مسائل ماورای طبیعی و لاهوتی و ارواح آزاد غیرمادی که در آنیمیسم (جان‌گرایی) مشاهده می‌شود، وجود ندارد. توتمیسم یک نوع مقررات اجتماعی بدوی است که روابط افراد قبیله را نسبت به خود و توتم‌هایشان معین می‌کند. بنابراین توتمیسم یک فلسفه زندگی ابتدایی است که در درجه نخست جنبه اجتماعی و در درجه دوم جنبه



دینی دارد، یعنی دارای عقاید، اساطیر و مناسک اجتماعی و مذهبی است.

توتمیسم در میان قبایل آفریقا: آیین توتمیسم در میان مردم آفریقا از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. بومیان "بچوانا" در مرکز کشور آفریقای جنوبی، به قبایل متعددی تقسیم می‌شوند که هر یک نامها و مراسم توتمی دارند ولی توتمیسم آنها یکدست و بی‌تغییر نمانده است. مثلاً چون زنان پس از ازدواج، به کلانهای شوهران خود می‌روند، بدین مناسبت رفته‌رفته پدرتباری بر مادرتباری غلبه می‌کند، هر قبیله از بومیان بچوانا توسط رئیسی اداره می‌شود که توتمش، توتم مردم قبیله نیز هست و رئیس قبیله همیشه با نام توتم خود مورد خطاب قرار می‌گیرد.

بعضی طوایف قبیله "کوتوکو" با اینکه با تمدن جدید آشنا شده‌اند، در دهکده‌های خود همیشه نوعی مار کبری نگهداری می‌کنند و معتقدند که آن اولاً حامی آنهاست و ثانیاً از او مشورت می‌خواهند و به وسیله او در امور مهم قبیله خود، مانند انتخاب رئیس استخاره می‌کنند. بعضی بومیان در ساحل کنیا درخت "ایروکو" را مقدس می‌شمارند و معتقدند که آن درخت منشأ فراوانی نعمت است. قبیله "کیکویر" در کنیا بعضی درختان را مقدس و دارای روح می‌پندارند، و برخی از اهالی آن قبیله، بوته "کبو" را توتم خود می‌شمارند و معتقدند که جدّ اولیه آنها از کبو بیرون آمده است.

اما این شکل از توتمیسم به مرور زمان مضمحل شد و با ورود اروپاییان به قاره آفریقا، توتمیسم در جریان تحولات در اکثر اجتماعات آفریقایی منسوخ شد. اما اشکال جدیدی از باورهای قبیله‌ای مبتنی بر اعتقاد به یک توتم جایگزین شد که چند ویژگی اساسی داشت: اول آنکه بنیانهای اساسی و اصول دین توتمیسم در آن تغییر یافت. در توتم‌پرستی پیشرفته، اعتقاد به تابوها کاهش یافته و ممنوعیت و حرمت بین قبیله‌ای کمتر دیده می‌شود. دوم آنکه توتمیسم از شکل جمعی به شکل فردی درآمده و کمتر در حوزه یک قبیله یا کلان مطرح است. با وجود این در بخشهای مختلف قاره آفریقا توتمیسم چه به شکل سنتی و چه به شکل پیشرفته آن هنوز دیده می‌شود.

در کنگو علیا، بومیان "بانکالا" هنوز جانور توتمی را نمی‌کشند و نمی‌خورند. زن پس از ازدواج، احترام توتم شوهرش را نیز نگه می‌دارد. کودکی که از آن ازدواج پدید آید، هم توتم پدر و هم توتم مادر را محترم می‌دارد، ولی بعد از بزرگ شدن، شورای هر دو خانواده توتم قطعی او را تعیین می‌کند. شورا معمولاً توتم پدری را برای کودک برمی‌گزیند. زیرا بومیان بانکالا به پدرتباری پایبندند.

در حال حاضر در کشورهای گینه بیسائو، سیرالئون، بوركینافاسو، بنین و ... توتمیسم به‌عنوان دینی رسمی در کنار سایر ادیان مثل اسلام و مسیحیت در میان مردم رواج دارد. آمارها نشان می‌دهد که این نظام ارزشها و باورهای قومی نه تنها روبه‌ضعف و اضمحلال ننهاده، بلکه کاربست آن بر مبنا و محور یک آیین اخلاقی تأثیرات فراوانی از خود به جای گذاشته است.

بسیاری از مردم‌شناسان ثابت کرده‌اند که تأیید توتمیسم در فرهنگ جهانی و سایر ادیان بسیار فراگیر و گسترده است. از جمله میراث توتمیسم در آیین مسیح می‌توان به تقدس کیوتز اشاره کرد. در کتاب انجیل کیوتز حیوانی مقدس و فرستاده خدا معرفی شده است. در بخشهایی از کتاب مقدس می‌خوانیم: "چون تمامی قوم تعمید یافتند و عیسی هم [پیش از بعثت] تعمید گرفته دعا می‌کرد، آسمان شکافته شد و روح‌القدس به شکل کیوتزی بر او نازل شد."

مراسم عشایر ربانی و اجرای مراسم به صورت دسته‌جمعی از آثار و ریشه‌های توتمیسم تلقی می‌شود. حتی بعضی پا را فراتر نهاده و شکل صلیب در نزد مسیحیان را نوعی توتم قلمداد کرده‌اند. در دنیای امروز خارج از دایره اعتقاد قبیله‌ای در قاره آفریقا، نمادهایی از تقدس یک توتم دیده می‌شود. مثلاً اعتقاد به پرنده خوش‌اقبال به‌مثابه سمبل یک تیم فوتبال و حضور آن در کنار زمین از تجلیات و نموده‌های توتمیسم در فرهنگ جهانی است. همچنین استفاده فراوان از علائم و نشانه‌ها به عنوان سمبل خوشبختی و یا دوری کردن از بدیها که در میان مردم سراسر دنیا مرسوم است به نوعی از اصول فرهنگی توتمیسم نشأت گرفته و به خوبی تأثیر ادیان ابتدایی را بر روی فرهنگ ملل متمدن امروز نشان می‌دهد.

ویل دورانت در این باره معتقد است: "توتم که عنوان شعاری و رمزی داشته، علامت مفیدی برای خویشاوندی ملت‌های اولیه بوده و پس از آن



رفته‌رفته، از جنبه دینی خود خارج شده، عنوان علامت خوشبختی یا نظرقربانی پیدا کرده یا همچون شیر و عقاب، وارد علامت پرچمهای پاره‌ای از دول گشته، یا مانند گوزن علامت جمعیت‌های برادری شده و یا به صورت حیواناتی بی‌زیان نماینده استواری یا جنبش لجوجانه بعضی از احزاب سیاسی شده است. اینک در ابتدای ظهور دین مسیح، کیوتز، ماهی و بره حالت رمزی برای این دین داشته، خود آثاری از توتم‌پرستی قدیمی بوده، حتی حیوان بی‌قدر و منزلتی چون خوک زمانی توتم یهودیان به شمار می‌رفته است."

۲. فتی‌شیزم: پیش از ادوارد تابلور، بسیاری از محققان، مردم‌شناسان و جامعه‌شناسان فتی‌شیزم را عین آنیمیسم می‌دانستند ولی تبلور با تحقیقات وسیع و گسترده به این نتیجه رسید که فتی‌شیزم



مقدمه و ابزار آنیمیسیم محسوب می‌شود.

فتی‌شیزم برای اولین بار توسط شارل دوپروس فرانسوی وارد حوزه مطالعات مردم‌شناسی شد. او ضمن نقد و بررسی این آیین اشاره کرد که پایه و اصول و بنیان تمام ادیان از فتی‌شیزم ریشه گرفته است. اما منشأ اصلی این آیین به قرن ۱۸ میلادی برمی‌گردد زمانی که سیاحان پرتغالی به آفریقا رسیدند و متوجه شدند که بومیان سیاهپوست، اشیایی اعم از درخت، ماهی، گیاه، بت، تکه‌سنگ، پنجه مرده بعضی از جانوران، چوب خشک، مو، ناخن و ... را دارای نیروی جادویی و ماورایی

را معطوف به چیزی می‌نمود که مایه نجات او شده، یعنی شاخه درخت صاحب قدرت و اهمیت و غرابتی مرموز می‌شد. درست مانند کودکی که تیله‌ای را بارها در بازی برد در نتیجه که آن را خوش‌یمن و سعد می‌شمرد. این اساس روانی فتی‌شیزم است.

۳. آنیمیسیم: (Animism) آنیمیسیم یک نوع پنداشت و شیوه اعتقادی عمیق است که در بسیاری از مناطق قاره آفریقا رواج داشته است. از لحاظ واژه‌شناسی لفظ Anima به معنای جان و روان است. آنیمیسیم به معنای روح پرستی، روح‌پنداری، اعتقاد به ارواح و جان‌گرایی در فارسی به کار رفته است.

در مورد آنیمیسیم بحث‌های فراوانی وجود دارد. این آیین در تحولات و تطورات زمانی شکل‌های متعدد و متنوعی پیدا کرده است. در تفکر انسان‌های بدوی، خیال‌پردازی و احساسات عاطفی بر عقلانیت برتری دارد. بر همین مبنا همه‌جا را پر از ارواح و شیاطین می‌بیند که بر زندگی او سایه‌ای وسیع انداخته است. علت این امر آن است که در زندگی انسان ابتدایی، پرسش‌های اساسی و حیاتی پاسخ‌هایی آرامبخش و سودمند در بر ندارد، چرا که دانسته‌های ذهنی در جریان رشد و تکوین معرفت در مراحل ابتدایی و عامیانه قرار دارد. در واقع انسان‌های بومی در هر مسیر انحرافی و در برابر هر پدیده‌ای که قرار می‌گیرند آن را با کمک ارواح و همخوانی با آن می‌سنجند.

مبانی اساسی آنیمیسیم را در سه محور می‌توان بر شمرد: الف) اعتقاد به ارواح؛ ب) اعتقاد به مانا؛ ج) اعتقاد به سحر و جادوگری.

الف) اعتقاد به ارواح: جامعه‌شناسان معتقدند منشأ اعتقاد به ارواح در فرهنگ‌های ابتدایی مسیر تکاملی را پیموده است. در ابتدا انسان‌های ابتدایی به علت نادانی و عدم رشد فکری، بر مبنای احساسات و عاطفه پدیده‌های طبیعی را دارای روح تلقی می‌کردند. از دیدگاه آنان، بسیاری از اتفاقات و جریان‌های طبیعی مثل آتش‌فشان، رعد و برق، رشد و نمو گیاهان و ... معلول اراده ارواح تلقی می‌شد. علاوه بر اینها بومیان آفریقا بر این باور بودند که تعدادی ارواح آزاد (مانند اجنه) در چشمه‌ها و کوه‌ها و ... سرگردانند. قبایل "دوجون" و "پانتو" در آفریقا روح را عبارت از جسم سیال و کهربایی می‌شمارند که جای آن در بدن، خون است و دارای قدرتی است که می‌تواند از جسمی به جسم دیگر، و از جایی به جای دیگر سرعت منتقل شود. وقتی روحی از بدن صاحبش جدا شود، موجود خطرناکی می‌شود. قبایل "بامبا" را در آفریقا، معتقدند که روح هرکس شبیه سایه اوست و مانند همزاد همیشه همراه صاحبش است و شکل آن همان سایه و تصویر و عکسی است

می‌دانند که بر زندگی تأثیرات فراوانی دارد. بومیان به واسطه تأثیر فراگیر اجسام مقدس، به آنها احترام گذاشته و برای رفع معضلات و مسائل و دشواری‌های زندگی به آنها رجوع می‌کنند. درباره منشأ فتیست‌ها نظریات متفاوت و گاه متناقضی وجود دارد. اما خارج از دسته‌بندی‌های موجود، می‌توان به این موضوع اشاره کرد که انسان بدوی از آنجا که در برخورد با اشیای جاندار یا بی‌جان خواص و ویژگی‌های آنها را نمی‌شناخت، در ذهنش منشأ خوش‌یمن یا بدیمن بودن را به آنها نسبت می‌داد. مثلاً اگر به‌طور اتفاقی با ماری سمی برخورد می‌کرد و برای رهایی خود با پرتاب سنگی مار را می‌کشت،

آن تکه‌سنگ در نظر او دارای نیروی ماورایی و اسرارآمیز تلقی می‌شد و پس از آن نقش فتیش را در زندگی او بازی می‌کرد.

از میان مهم‌ترین سمبل‌هایی که نزد پاره‌ای از آفریقاییان معنایی مقدس دارد، می‌توان به آتش، رنگها و اعداد اشاره کرد. به‌عنوان مثال، افراد قبیله گی‌کویو در مراسم پالایش و تهذیب، با محصولات کشاورزی خود آتش روشن می‌کنند، این آتش سپس به همه مناطق حمل می‌شود. در میان افراد قبیله باگانبا عدد ۹ معنای خاصی دارد و در بعضی از مراسم و تشریفات قبیله‌ای باید حتماً از ۹ ظرف یا اشیای دیگر استفاده شود.

آدولف باستیان، مردم‌شناس آلمانی که در میان بومیان آفریقا زندگی کرده، درباره منشأ تقدس فتیش گفته است: اعتقاد به سعد و نحس برای فرد بدوی امری اساسی بود، اگر شخص در آب می‌افتاد و با چنگ انداختن به شاخه درختی، که روی آب آویزان بود، خود را نجات می‌داد این واقعه اثر عجیبی در روحیه وی می‌گذاشت. در چنین حال احساسات فرد معنای عظیمی به خود می‌گرفت و فرد آن احساسات

کشور	جمعیت	پایتخت	دین	زبان	زبان
آفریقای جنوبی	۴۰,۳۰۰,۰۰۰	پروتستان کاتولیک کلیسای مستقل سیاهپوست	۲۸/۱	۲۷/۳	۳۱/۱ (هندو)
آفریقای مرکزی	۳۱۶,۰۰۰,۰۰۰	پروتستان کاتولیک	۱۵	۲۲	-
آنگولا	۱۲,۹۰۰,۰۰۰	کاتولیک پروتستان	-	۲۹/۹	-
اتیوپی	۶۲,۶۰۰,۰۰۰	ارتدکس پروتستان	۳۲/۸	۲/۸	۱/۹ (یهودی)
اریتره	۳,۹۰۰,۰۰۰	ارتدکس	۶۹/۳	-	-
ازگاندا	۲۱,۸۰۰,۰۰۰	کاتولیک	۱۶	۱۵	۳ (یهودی)
بنین	۶,۱۰۰,۰۰۰	کاتولیک	۲۰/۱۶	۳۵	۱۹ (یهودی)
بوتسوانا	۵,۸۰۰,۰۰۰	کاتولیک	۲۴	۵۵	۲/۱۶ (یهودی)
ورکینافاسو	۱۱,۹۰۰,۰۰۰	کاتولیک	۱۰	۴۰	-



که در آب منعکس می‌شود. عموماً قبایل بومی پیرو آنیمیسیم معتقدند که روح در بدن هر کسی عاریه است و همیشه می‌کوشد که از آن فرار کند، از این رو، از منافذ بدن صاحبش خارج می‌شود، بخصوص از راه دهان و بینی و گوشها. از این جهت بعضی قبایل مانند سلبها (Celebs) بینی و ناف و منافذ دیگر شخص مریض را مسدود می‌کنند.

ب) اعتقاد به نیروی "مانا": در مورد مانا قبل از هر توضیحی ذکر این نکته ضروری است که اعتقاد به نیروی "مانا" در آیین توتیمیسیم پیشرفته هم وجود دارد. مانا به طور کلی چه در آیین توتیمیسیم، و چه در آیین آنیمیسیم به معنای نیروی غیرمادی، کلی و نامشخص است که به همه چیز تحرک و حیات می‌بخشد و ممکن است در همه چیز باشد. اما مفهوم اختصاصی مانا در آنیمیسیم این است که اگر در چیزی بیشتر متمرکز باشد آن چیز دارای نیرو و خاصیت جادویی زیادی خواهد بود. بنابراین، در آنیمیسیم جادوگران می‌کوشند که نیروی بیشتری از آن کسب کنند تا نیروی جادویی آنها، برای غلبه بر دشمن و تسخیر ارواح شر، زیادتر باشد.

بر همین مبنا، سوءاستفاده از مانا در آنیمیسیم بیشتر از توتیمیسیم بوده است چرا که مانا در جان‌گرایی در مسیر سحر و جادوگری به کار می‌رود در صورتی که در توتیمیسیم فقط به عنوان نیروی محرکه در اشیا و جانداران شناخته شده است.

ج) اعتقاد به سحر و جادوگری: در آنیمیسیم اعمال سحر و جادوگری دو کارکرد داشته است: اول آنکه ارواح شیطانی و دشمنان را از افراد معتقد به آیین دور کنند. دوم آنکه به وسیله سحر و جادو اخبار و حوادث آینده را پیشگویی کرده و انسانها را نسبت به محیط و وضعیت آینده‌شان باخبر سازند.

در این باره ویل دورانت که تحقیقات گسترده‌ای انجام داده می‌گوید: "هنگامی که انسان اولیه عالمی از ارواح برای خود ساخت، بدون آنکه ماهیت واقعی و تمایلات آنها را بداند، درصد درآمد خشنودی آنها را جلب کند و از آنها در امور خود استمداد جوید، به این ترتیب است که به جان‌گرایی برای اشیا که ریشه دیانت اولیه است، عامل دیگری (سحر و جادو) افزوده شد و این سحر به منزله روح شعائر دینی به شمار می‌رود." ۴. دین یوروباهای (Yorubas) یوروباهای یکی از مهمترین طوایف آفریقایی هستند که در نیجریه زندگی می‌کنند. این دین بومی از دورانهای باستان تا به امروز طرفداران زیادی داشته است. امروزه به واسطه حضور گسترده دین مسیح و اسلام، این دین رو به زوال نهاده است، اما فرهنگ یوروبایی بر مردم این منطقه تأثیر فراوانی گذاشته که همچنان پابرجاست.

مردم‌شناسان، یوروبا را شاخه‌ای از آنیمیسیم قلمداد می‌کنند که اصول و ویژگیهای اساسی آن در بسیاری از نقاط آفریقا تأثیر شگرفی داشته است. از جامعه یوروبایی، روایت‌های مبتنی بر احساس شنیده می‌شود که در میان مردم آفریقایی زبانزد خاص و عام است و عموماً آنها را برای فرزندانشان بازگو می‌کنند. مثلاً در باب سرآغاز هستی چنین نقل می‌شود: "در ابتدا فقط آسمانهایی در بالای سر و سرزمینی لم‌بزرع و پوشیده از آب در زیر آن وجود داشته است. گروهی از موجودات به نام اریشا بر این فضا و مکان حکومت می‌کردند. یکی از اریشاهای به نام اولورون بر آسمانها و دیگری، الهه موئسی به نام اریشا اولوکون بر زمین لم‌بزرع پایین فرمان می‌راند. روزی اولورون به یکی از اریشاهای به نام اوباتالا فرمان داد که زمین را خلق کند. به اوباتالا صدف یک حلزون، که شامل مقداری خاک نرم بود و مرغی که پنج انگشت داشت و یک کبوتر داده شد. در وقت پایین آمدن، وی خاک نرم را پخش کرده و مرغ و کبوتر را گذاشت تا آن را با پنجه‌های خویش خراشیده و از اطراف پهن کنند و سپس خود به آسمانها بازگشت. طولی نکشید که آن خاک بخش عظیمی از آب روی زمین را فرا گرفت و به خاک محکمی تبدیل شد. پس از مدتی، اولورون آفتاب‌پرستی را فرستاد تا مخلوق تازه را بازرسی کند. آفتاب‌پرست آن را برای زندگی، مناسب اعلام کرد. نقطه مشخصی که این مخلوق جدید در آن وجود یافت به نام ایفه نامیده شده: محل زندگی انسانهای بدوی و نامی که افراد قبیله یوروبا برای شهر مقدس خویش انتخاب کرده‌اند. اوباتالا، اولین اشکال و صور انسانی، اعم از زن یا مرد را قالب‌ریزی کرد. در صورتی که اولورون به ایشان حیات و زندگی بخشید. سپس آنها را فرستادند تا در زمین سکنی گزینند و ابزار و آلتی هم که برای کار و کشت و زرع زمین لازم بود در اختیارشان قرار دادند. بزودی جامعه‌ای به وجود آمد و اوبانا پادشاه آن شد. بعدها وی تصمیم گرفت به آسمانها مراجعت کند، جایی که با توصیفات که او از زمین ارائه می‌کرد بسیاری از اریشاهای را قانع ساخت تا به زمین نزول کرده و در میان مردم زندگی کنند. اولورون به این اریشاهای دستور داد که به کمک نژاد انسانی شناخته و درواقع محافظ و نگهبان ایشان باشند. مطابق این داستان، ساختن کره زمین چهار روز طول کشید و روز پنجم به عنوان روز تعطیل برای پرستش اولورون، هستی متعال کنار گذاشته شده است."

**اصول اساسی دین یوروبا:** به طور کلی گفتمان اصلی این دین که در طول سالها حفظ شده در چند مورد قابل تأمل و بررسی است.

**الف) یوروباهای:** به خدایی برتر به نام

اولورون (Olorun) اعتقاد دارند و او را سرور و افضل آفرینش می‌دانند. این خدا با عظمت تر و پرتوان تر از آن است که فقط پرستش کنند، بنابراین تنها کاری که برایش می‌کنند دعا و ثناست. اما نکته حائز اهمیت در میان این مردم، این است که آنها به خدایان فراوانی اعتقاد دارند که در سطوح میانی بین



اولورون (خدای برتر) و مردم در حرکت و گردشند. ب) یکی از این خدایان میانی اوباتالا (Obatala) نامیده می‌شود. او بر زمین فرود آمد تا زندهای نازا بارور شوند. او خدای پاکبهاست و رنگ سفید نشانه اوست. در معبد اوباتالا باید آب همواره فراهم باشد. شراب و روغن نخل خرما به مزاجش نمی‌سازد و او تاب شنیدن نامشان را هم ندارد.

ج) اورون میلا (Oranmila) رایزن و مشاور اوباتالا است. کار او رفت و آمدهای بی‌دربی بین زمین و آسمان است. پیام‌آور به عالم غیب است. آدمیان را رهبری می‌کند تا سرنوشت خود را به انجام رسانند.

د) اوگون (Ogun) رئیس خدایان است. در دوران قدیم برای او انسان را قربانی می‌کردند. معتقدان به این دین در پای درخت مقدس به نیایش او مشغولند و به عکس اوباتالاها شراب، روغن نخل و ... پیشکش او می‌کنند.

و) از مسائل قابل توجه در این دین که به نسبت سایر ادیان بومی پیشرفته‌تر به نظر می‌رسد، اعتقاد به زندگی پس از مرگ است. در فرهنگ یوروبایی فرد مرده پس از گذشتن از یک رودخانه و پرداخت هزینه قایق‌رانی که او را به آن سمت برده، با توجه به خوبیها و بدیهای انجام داده به بهشت یا جهنم می‌رود. یوروبایی‌ها به تن فرد از دیارفته بهترین لباسها را می‌پوشانند و با اجرای مراسمی که شامل



کشور	مسیحیت	اسلام	ادیان بدون نام	دیگر
تانزانیا	۳۳/۵۰۰/۰۰۰	۲۳٪	۱۹٪	-
تونس	۹/۶۰۰/۰۰۰	۹۹/۵٪	-	۰/۲٪ (یهودی)
چاد	۷/۷۰۰/۰۰۰	۳۲/۷٪	۷/۴٪	۲٪ (یهودی)
زیمبابوه	۱۱/۷۰۰/۰۰۰	۲۵/۴٪	۴۰/۵٪	۱۲/۱٪
سنگال	۹/۵۰۰/۰۰۰	۲٪	۶٪	-
سودان	۲۹/۵۰۰/۰۰۰	۱۱٪	۱۷٪	-
سومالی	۱۰/۱۰۰/۰۰۰	-	۹۹/۴٪	۰/۶٪ (یهودی)
سیرالئون	۴/۹۰۰/۰۰۰	۱۰٪	۳۰٪	-
صحرا	۲/۹۰۰/۰۰۰	-	۲٪	-
غنا	۲۰/۲۰۰/۰۰۰	۶۴/۱٪	۲۰/۵٪	-
کنگو	۲/۹۰۰/۰۰۰	۶۵/۱٪	۳/۹٪	-
گینه	۷/۴۰۰/۰۰۰	۱/۵٪	۳/۵٪	-
کامرون	۱۵/۱۰۰/۰۰۰	۵۲/۲٪	۲۲٪	۲٪ (یهودی)
لیبریا	۳/۲۰۰/۰۰۰	۲۱٪	۶۳٪	-
لیبی	۵/۶۰۰/۰۰۰	-	۳٪	-
مصر	۶۸/۵۰۰/۰۰۰	سیحی قبطی ۱۱٪	-	۷۸۹٪
مراکش	۲۸/۴۰۰/۰۰۰	۰/۶٪	۱/۱٪	-
موریتانی	۲/۷۰۰/۰۰۰	۰/۳٪	۱/۵٪	۰/۱٪ (یهودی)
موزامبیک	۱۹/۷۰۰/۰۰۰	۳۸/۴٪	۱۰/۵٪	-
نامیبیا	۲/۷۰۰/۰۰۰	۳۸/۵٪	-	۶٪
نیجریه	۱۱/۱۵۰۰/۰۰۰	۳۵/۳٪	۴۳٪	۲/۷٪ (یهودی)
الجزایر	۳/۱۵۰۰/۰۰۰	۱٪	۹۹٪	-

تضعیف آیین‌هایی چون آنیمیسم نشده است. براساس آخرین آمارها در تانزانیا و زیمبابوه جمع کثیری از آفریقاییان به این دین گرایش و اعتقاد دارند. اما طبیعت و پیوستگی ادیان در طول قرون متمادی دچار انقطاع‌های اساسی شده به طوری که نظام ارزشهای قبیله‌ای، الگوهای خانواده، نظام تعلیم و تربیت و ... دستخوش تحول ساختاری شده است. تطبیق دادن مفاهیم و مضامین موجود در آنیمیسم سنتی با جان‌گرایی امروز قابل مقایسه نیست. به‌هرحال اعتقاداتی وجود دارد که گروه‌های آفریقایی را قادر ساخته مبتنی بر وحدت، همبستگی و انسجام حرکت کنند، هرچند در برخی اوقات کشمکش‌ها و درگیری‌هایی شکل گرفته است. در سالیهای اخیر تبلیغات بسیار منفی علیه نظام ارزشهای آنیمیسم‌ها سبب گردید که در نقاطی همچون شمال کامرون، آنیمیسم‌ها به میل خود به مسیحیت بگروند یا در بعضی مناطق افراد ترجیح دهند خود را مسلمان یا مسیحی معرفی کنند تا آنیمیسم و ... جدول ذیل میزان حضور ادیان مختلف را در آفریقا نشان می‌دهد.

#### منابع

۱. دکتر یوسف فضایی، بنیادهای اجتماعی دین، انتشارات چاپار، ۱۳۰۳.
۲. دکتر جمشید آزادگان، ادیان ابتدایی تحقیق در توتیمیسم، نشر میراث ملل، ۱۳۷۲.
۳. جمعی از نویسندگان، جهان مذهبی دو جلد، ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰.
۴. میشل مالرب، انسان و ادیان، ترجمه مهرن توکلی، نشر نی، ۱۳۷۹.
۵. ویل دورانت، تاریخ تمدن مشرق‌زمین، گاهواره تمدن، جمعی از مترجمان، انتشارات علمی و فرهنگی.
۶. ژان پل ویلم، جامعه‌شناسی ادیان، ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی، انتشارات نیان، ۱۳۷۷.
۷. ملکم همپتون، جامعه‌شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات نیان، ۱۳۷۷.
۸. ابوالحسن تنهایی، جامعه‌شناسی در ادیان، انتشارات بهاباد، ۱۳۷۸.
۹. جولی اسکات، دین و جامعه‌شناسی، ترجمه فسانه نجاریان، ۱۳۸۲.
۱۰. جمعی از نویسندگان، ادیان جهان باستان، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲.
۱۱. عباس جعفری، گیتاشناسی نوین کشورها، ۱۳۸۲.
12. The world Guide, 1999-2000; 2001-2002.
13. Boas, Franz, The origin of totemism, American Anthropologist, Vol 18.
14. Religion in Africa (Internet).
15. Animism in Africa by Dr J. Harrison, 1999.

رقص، جشن و پایکوبی است یا وی خداحافظی می‌کنند. اما این خداحافظی به معنای قطع ارتباط با نیاکان نیست. بلکه اینها معتقدند که روح فرد مرده در هر شرایطی با زندگان بسر می‌برد. (ه) یوروباهای بر این باورند که رودها، بادها، کوه‌ها و برخی درختان آکنده از جن و پری‌اند. آنها برای آرام کردن ارواح جن و پری دست به دامان جادوگران می‌شوند. آنها با مراسم و تشریفات خاص و استفاده از طلسم و جادو شر و بدیها را از یوروباهای دور می‌کنند.

تحولات تاریخی نشان می‌دهد که در کنار بسیاری از ادیان بومی، دین مسیحیت و اسلام دو ستون اصلی فرهنگ معنوی آفریقا را تشکیل می‌دهند. البته از وجود برخی پیروان یهود، بودایی و هندو در بعضی از کشورهای آفریقا نمی‌توان چشم پوشید. از قرن دهم و یازدهم میلادی به بعد که اسلام گسترش چشمگیری در قاره آفریقا-بخصوص بخشهای جنوبی- پیدا کرد تا امروز این جریان ادامه داشته است. هم‌اکنون در کشورهای شمال، غرب و شرق آفریقا مسلمانان در اکثریت بسر می‌برند. مسیحیت قبطی نیز در اتیوپی و مصر مرسوم بوده اما تعاملات آفریقاییان با اروپاییان در قرن ۱۹ و ۲۰ اشکال دیگر مسیحیت مانند کاتولیک و پروتستان را در این خطه ترویج کرده است. در شرایط فعلی نقاط عمده حضور مسیحیت در مناطق مرکزی و جنوبی این قاره است.

شایان ذکر است که حضور گسترده این دو دین، سبب